

# کتاب یوئیل و کلیسای ادوتتیست روز هفتم لائودیکی - شماره بیست و شش

Jeff Pippenger

2026-01-12

## شماره بیست و شش

چهار نسل یوئیل نمایانگر ویرانی تدریجی تاکستان خدا از سال ۱۸۶۳ تا قانون یکشنبه هستند. عدد چهار همچنین نماد چهار ویژگی از شخصیت مسیح است. کروبیان در قدس‌گاه چهار چهره دارند و آن چهره‌ها با تقسیم‌بندی چهاربخشی اسرائیل باستان، هنگامی که گرداگرد قدس‌گاه اردو زده بودند، همخوانی دارند. آنها همچنین نمایانگر چهار انجیل هستند.

اما در مورد شباهت چهره‌هایشان، هر چهار چهره انسان داشتند، و در سمت راست چهره شیر؛ و در سمت چپ چهره گاو؛ و نیز هر چهار چهره عقاب داشتند. حزقیال ۱:۱۰.

و حیوان اول شبیه شیر بود، و حیوان دوم شبیه گوساله بود، و حیوان سوم چهره‌ای مانند انسان داشت، و حیوان چهارم شبیه عقابی در حال پرواز بود. مکاشفه ۴:۷.

کتاب مقدس (سفر اعداد، فصل ۳) دوازده قبیله را—به‌استثنای لای که درست گرداگرد خیمه اجتماع اردو زده بودند—چنین توصیف می‌کند: آنان در چهار اردو، هر یک متشکل از سه قبیله، سازمان‌دهی شده و در چهار جهت اصلی پیرامون مقدس‌گاه جای گرفته بودند؛ هرکدام زیر یک علم یا پرچم قرار داشتند. این آرایش همسانی نمادینی پدید آورد که در آن، اردوگاه زمینی بازتابی از تخت آسمانی است که کروبیان از آن پاسداری می‌کنند.

یهودا در ورودی مقدس‌گاه، رو به شرق و به سوی خورشید در حال طلوع، قرار داشت. پرچم یهودا شیر بود، زیرا نمایانگر شیر سبط یهوداست. دو سبطی که با یهودا بودند، یساکار و زبولون بودند. در رؤیای یوحنا، نخستین جانور همچون شیر بود، همان‌گونه که کروبیان حزقیال چهره‌ای چون شیر داشتند. رئوپین، که نماد انسان بود، در جنوب، همراه با شمعون و جاد قرار داشت. در غرب، افرایم با بنیامین و منسی قرار داشتند و نمادشان گاو بود. در شمال، دان به همراه آشور و نفتالی قرار داشتند و نمادشان عقاب بود. ارتباط اسباط با چهار چهره مقدس‌گاه آسمانی در چهار انجیل نمایانده شده است.

متی شیر قبیله یهوداست، مرقس گاو قربانی، لوقا انسان و یوحنا عقاب بلندپرواز. مسیح، به‌عنوان شیر قبیله یهودا، خود را کسی معرفی می‌کند که کلام نبوی خود را مهر و موم می‌کند و می‌گشاید. انجیل متی اشارات مستقیم بیشتری به تحقق نبوت‌های مسیحایی (۱۳ مورد) دارد تا مجموع سه انجیل دیگر با هم. اصلاً قابل مقایسه نیست.

کتاب متی نمایانگر کلام نبوی خداست. لوقا که پزشک بود، انجیل خود را از منظر مسیح به‌عنوان پسر انسان ارائه می‌کند، زیرا لوقا نماد چهره انسان است. مرقس انجیل مسیح را از منظر قربانی‌ای که مسیح نمایانده آن بود ارائه می‌کند، زیرا مرقس نماد گاو نر است. یوحنا عقاب بلندپرواز است که در ارائه انجیل مسیح، حقایق ژرف خدا را بیان کرد.

مهم است که انجیل متی را، چنان‌که در کلام نبوی بازنمایی شده است، درک کنیم. انجیل متی شیر قبیله یهوداست، سرور کلام نبوی او، شمارنده شگفت‌انگیز رازها، زبان‌دان شگفت‌انگیز، آن‌که کلام خود را مهر و موم می‌کند و می‌گشاید. عیسی آلفا و امگاست و او کلمه است. نخستین کتاب عهد جدید و آخرین کتاب عهد جدید کتاب‌هایی نبوی‌اند. بیشتر مردم این حقیقت را درباره کتاب مکاشفه می‌دانند،

اما شاید دریافته نباشند که متی آلفای عهد جدید است؛ پس باید با اُمگای عهد جدید همراستا باشد. باید پایان را بازنماید، که همان کتاب مکاشفه است.

بنابراین، هرگاه در متی، یک خط موازی با خط تاریخ عهد کتاب پیدایش را که در فصل‌های یازده تا بیست و دو ترسیم شده است می‌یابیم، این چیزی جز حقیقتی نیست که شیر قبیله متی در حال مهرگشایی آن است. دوازده فصل تاریخ عهد که در پیدایش، متی و مکاشفه نمایانده شده‌اند، اکنون مهرشان گشوده می‌شود و آنچه تشخیص می‌دهیم این است که فصل بیست و سوم متی نمایانگر جدایی خردمندان و نادانان در مَثَل تاکستان است. هشت «وای» بر قوم عهد پیشین، که همتای نبوی خود را در هشت نفسی می‌یابند که نماینده صد و چهل و چهار هزارند و بر کشتی نجات سوار می‌شوند. فصل ۲۳ نمایانگر کاری است که در قدس آسمانی آغاز شد، هنگامی که ۲۳۰۰ روز در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به پایان رسید، و بار دیگر در قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع نیز چنین خواهد شد. فصل ۲۳ این حقیقت را نشان می‌دهد.

فصل بیست و چهار در زمانی رخ می‌دهد که مسیح تازه گفت‌وگوی خود را با اسرائیل مرتد به پایان رسانده و برای آخرین بار هیکل یهودیان را ترک کرده است. عدد ۲۴ نماد گذار از اسرائیل باستان به اسرائیل نوین است، همان نقطه در تاریخ نبوت که مسیح هنگام ارائه پیام خود در متی ۲۴ در آن ایستاد. پیام نبوی متی ۲۴ تصویری الهی از روش «خط بر خط» است که به طور مشخص به تاریخ میلری‌ها و از این رو به تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار نفر می‌پردازد. ۲۴ به وسیله کلیسای باب دوازدهم مکاشفه نمایانده می‌شود؛ کلیسایی که بر ماهی ایستاده است که نور خورشید عدالت را باز می‌تاباند. بر سر او دوازده ستاره است که نمایانگر ۲۴ هستند، زیرا او نماینده تاریخی است که تا تولد مسیح امتداد می‌یابد، هنگامی که دوازده سیط اسرائیل باستان به دوازده شاگرد اسرائیل نوین بدل می‌شوند. در فصل بیست و چهار، تاریخ میلری‌ها از ۱۷۹۸ تا یاس بزرگ نمایانده می‌شود. سپس باب ۲۵ متی می‌آید.

عدد بیست و پنج نماد لایوان است، خواه نیک خواه بد، و به همان اندازه مهم این که نمایانگر جداسازی لایوان حکیم و شریر نیز هست. انجیل متی، باب ۲۵، بر پایه سه شاهد، یا سه مَثَل، فرایند جداسازی‌ای را که عدد بیست و پنج نمایانگر آن است مشخص می‌کند. بدیهی است که مَثَل ده باکره تاریخ پیروان میلر و نیز تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار را بازنمایی می‌کند. آن تاریخ، تاریخ فرشته اول است؛ مَثَل استعدادها فرشته دوم است و مَثَل گوسفندان و بزها داور فرشته سوم.

فصل‌های بیست و شش تا بیست و هشت، تاریخ عید فصیح تا مأموریت انجیل پس از مصلوب شدن را مشخص می‌کنند.

و چون عیسی همه این سخنان را به پایان رسانید، به شاگردان خود گفت: شما می‌دانید که پس از دو روز عید فصیح است و پسر انسان تسلیم خواهد شد تا مصلوب گردد. متی ۱:۲۶، ۲

خلاصه‌ای از نشانه‌های گوناگون در فصل ۲۶ چنین است: توطئه برای کشتن عیسی در آیات ۳ تا ۵. سپس در آیات ۶ تا ۱۳، عیسی در بیت عنیا مسح می‌شود. در آیات ۱۴ تا ۱۶، یهودا به ازای سی سکه نقره به مسیح خیانت می‌کند. سپس در آیات ۱۷ تا ۲۵، عید فصیح با شاگردانش فرا می‌رسد. در آیات ۲۶ تا ۲۹، عیسی شام خداوند را برقرار می‌کند، و در آیه ۳۰، عیسی انکار پطرس را پیشگویی می‌کند. در آیات ۳۶ تا ۴۶، عیسی در جتسیمانی است. در آیات ۴۷ تا ۵۶، عیسی دستگیر می‌شود، سپس در آیات ۵۷ تا ۶۸، عیسی در برابر قیافا و سنهدرین است. از آیه ۶۹ به بعد، انکار پطرس نسبت به مسیح شرح داده می‌شود. این فصل شامل ده نشانه مشخص است که قرار است در ایام آخر تکرار شوند.

فصل بیست و هفتم همچنان ده نشانه متمایز دارد. عیسی به پیلاطس سپرده می‌شود، سپس یهودا خود را حلق‌آویز می‌کند، سپس عیسی نزد پیلاطس برده می‌شود، سپس براباس برگزیده می‌شود، پیلاطس عیسی را برای مصلوب شدن تسلیم می‌کند، سپس عیسی مورد تمسخر قرار می‌گیرد، سپس مصلوب شدن، سپس مرگ عیسی، سپس عیسی به خاک سپرده می‌شود و سپس نگهبان قبر شهادت می‌دهد.

فصل بیست و هشتم تنها سه نشانه راه دارد: نخست رستاخیز، سپس دروغ سنهدرین و آنگاه مأموریت بزرگ. سه فصل با بیست و سه نشانه راه متمایز صلیب که در تاریخ آن صد و چهل و چهار هزار نفر تکرار خواهد شد.

### متی ۲۶ - ده نشانه راه

1. توطئه سرکاهنان و مشایخ برای کشتن عیسی (آیات ۳-۵)
2. مسح در بیت عنیا به دست زنی با صندوقچه مرمی (آیات ۶ تا ۱۳)
3. یهودا موافقت می‌کند که در ازای سی سکه نقره به عیسی خیانت کند (آیات ۱۴-۱۶)
4. آماده‌سازی و خوردن فیصح با شاگردان (آیات ۱۷ تا ۲۵)
5. برپایی شام خداوند (آیات ۲۶ تا ۲۹)
6. پیشگویی انکار پطرس (آیات ۳۰ تا ۳۵)
7. اندوه در جتسیمانی (آیات ۳۶-۴۶)
8. خیانت و دستگیری عیسی (آیات ۴۷-۵۶)
9. محاکمه عیسی در برابر قیافا و سنهدرین (آیات ۵۷-۶۸)
10. انکار سه‌گانه پطرس (آیات ۶۹-۷۵)

### متی ۲۷ - ده نشانه راه

1. عیسی به پیلاطس تحویل داده شد (آیات ۱-۲)
2. ندامت و خودکشی یهودا (آیات ۳-۱۰)
3. عیسی در برابر پیلاطس - محاکمه رسمی رومی (آیات ۱۱-۱۴)
4. انتخاب باراباس به جای عیسی (آیات ۱۵-۲۶)
5. پیلاطس عیسی را برای مصلوب شدن تسلیم می‌کند (شامل آزادی باراباس)
6. استهزا و تازیانه‌زدن از سوی سربازان (آیات ۲۷-۳۱)
7. تصلیب (آیات ۳۲-۴۴)
8. مرگ عیسی (آیات ۴۵-۵۰)
9. نشانه‌های فراطبیعی و دفن به دست یوسف رامه‌ای (آیات ۵۱ تا ۶۱)
10. گماشتن نگهبان بر سر قبر (آیات ۶۲ تا ۶۶)

### متی ۲۸ - سه نشانه راه

1. قیام و قبر خالی (آیات ۱-۱۰)
2. دروغ سرکاهنان و مشایخ به سربازان (آیات ۱۱-۱۵)

### 3. مأموریت بزرگ (آیات ۱۶-۲۰)

همان‌گونه که تجربه مسیح، از تدهین در بیت‌عنیا تا مأموریت عظیم، پایان خدمت زمینی او و آغاز بشارت به همه قوم‌ها را نشان داد، همین نشانه‌های راه نیز در تجربه باقی‌ماندگان خدا، هنگامی که به پایان دوره آزمایش و پیروزی نهایی‌شان نزدیک می‌شوند، تکرار می‌شوند.

فصل‌های بیست‌وشش تا بیست‌وهشت نمایانگر تاریخ فصیح هستند که بر پایه ۲۳ نشان راه متمایز ساختار یافته است و این نشان‌های راه در طول تاریخی که به قانون یکشنبه منتهی می‌شود و پس از آن، تکرار می‌شوند.

آمدن مسیح به‌عنوان کاهن اعظم ما به قدس‌الاقداص، برای تطهیر مقدس، که در دانیال ۸:۱۴ به نمایش گذاشته شده است؛ آمدن پسر انسان نزد قدیم‌الایام، چنان‌که در دانیال ۷:۱۳ ارائه شده است؛ و آمدن خداوند به هیکل خود، که ملاکی آن را پیشگویی کرده است، همگی توصیف یک رویداد واحدند؛ و این همچنین با آمدن داماد به عروسی، که مسیح در مثل ده باکره در متی ۲۵ وصف کرده است، نمایانده شده است. مناقشه عظیم، ۴۲۷.

پایان ۲۳۰۰ روز در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، در زمان قانون یکشنبه تکرار می‌شود. بیست‌وسه نشانه راه واقع در سه فصل آخر متی، خون‌گران‌بهای را که برای پیوند دادن الوهیت با انسانیت به کار گرفته می‌شود، مشخص می‌کنند.

شفاعت مسیح به‌خاطر انسان در قدس آسمانی به همان اندازه برای طرح نجات ضروری است که مرگ او بر صلیب ضروری بود. با مرگ خود آن کاری را آغاز کرد که پس از رستاخیزش برای کامل کردنش به آسمان عروج کرد. ما باید به واسطه ایمان به درون حجاب وارد شویم، «آنجا که پیشرو به‌خاطر ما داخل شده است.» عبرانیان ۶:۲۰. آنجا نور صلیب جلجتا منعکس می‌شود. آنجا می‌توانیم بینشی روشن‌تر از اسرار رستگاری به‌دست آوریم. نجات انسان به بهایی بی‌نهایت برای آسمان صورت گرفته است؛ قربانی تقدیم‌شده برابر با گسترده‌ترین مقتضیات شریعت شکسته خداست. عیسی راه را به سوی تخت پدر گشوده است، و از طریق شفاعت او، آرزوی صادقانه همه کسانی که با ایمان نزد او می‌آیند می‌تواند در حضور خدا عرضه شود. نبرد عظیم، ۴۸۹.

فصل بیست و سوم انجیل متی بر محکومیت کهنوت جعلی تأکید می‌کند. فصول بیست و شش تا بیست و هشت امگای فصل بیست و سوم هستند. لاپوان جعلی (شورش فزاینده پیران در طی چهار نسل) نشانه‌های راه را در سه فصل آخر پدید آوردند.

فصل بیست‌وچهارم روش «خط به خط» را به‌عنوان روش مسیح معرفی می‌کند، زیرا او ویرانی اورشلیم را به کار می‌گیرد تا آنچه هست، آنچه بوده و آنچه خواهد بود را توصیف کند.

سقوط اورشلیم در سال ۷۰ میلادی، در همان روز سال رخ داد که اورشلیم نخستین بار به دست نبوکدنصر ویران شده بود. ویرانی اورشلیم به دست نبوکدنصر به گذشته تعلق داشت، و در تاریخ مسیح، هنگامی که تیتوس اورشلیم را تصرف کرد، آن رویداد نمادی از پایان جهان بود. متی ۲۴ روش «خط بر خط» را برجسته می‌کند و بدین‌سان «روش‌شناسی» را به‌عنوان عنصری از شهادت نبوی معرفی می‌کند.

در باب ۲۴ است که مسیح ضرورت فهم «مکروه ویرانی» را که دانیال نبی از آن سخن گفته، همان فهم بنیادین ویلیام میلر، و نمادی را که رؤیا را در دانیال تثبیت می‌کند، مشخص می‌سازد. این امر همچنین نمایانگر شورش ادونتیسیم است، زیرا آنان برداشت میلریتی از «دائمی» در کتاب دانیال را رد کردند و بدین‌سان در گمراهی شدید باب دوم رساله دوم به تسالونیکیان شریک شدند. این باب مستقیماً با لوقا ۲۱ پیوند دارد و بدین‌سان ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ را مشخص می‌کند که نماد ۱۱

سپتامبر تا قانون یکشنبه است. همچنین با «اوقاتِ اَمّت‌ها» در لوقا ۲۱:۲۴ پیوند می‌یابد که کلید اصلی گشودن «هفت زمان» موسی است و در عین حال با اندازه‌گیری هیکل در مکاشفه، باب یازدهم، هم‌راستا است.

از فصل بیست‌وسه آغاز می‌شود، سپس بیست‌وچهار و بیست‌وپنج می‌آیند، و آنگاه با فصل‌های بیست‌وشش تا بیست‌وهفت پایان می‌یابد، سه فصلی که دارای بیست‌وسه نشان راه‌اند که امگا در برابر آلفای فصل بیست‌وسه هستند. فصل بیست‌وشش به‌اضافه بیست‌وهفت و بیست‌وهشت برابر با «۸۱» است که نمادی از کهانت است. بر پایه سه شاهد (پیدایش، متی و مکاشفه) فصل‌های یازده تا بیست‌ودو یک خط‌اند. فصل‌های بیست‌وسه تا بیست‌وهشت خطی از حقیقت‌اند که با بیست‌وسه آغاز می‌شود و با بیست‌وسه پایان می‌یابد.

فصل‌های یک تا ده، نخستین خط از سه خط نبوتی در کتاب متی هستند. ده فصل، سپس دوازده فصل، و سپس شش فصل. الهام به ما می‌آموزد که همه کتاب‌های کتاب‌مقدس در کتاب مکاشفه به هم می‌رسند و پایان می‌یابند، و بنابراین همه کتاب‌های کتاب‌مقدس در متی نیز به هم می‌رسند و پایان می‌یابند. متی، چون رخ شیر سبط یهودا، دوازده نبوت متمایز مسیحایی را مشخص می‌کند و آن دوازده بخش، نشانه‌های راه تاریخ میلری‌ها و صد و چهل و چهار هزار را پدید می‌آورد. همان‌گونه که کتاب مکاشفه با مکاشفه عیسی مسیح آغاز می‌شود، فصل نخست متی مکاشفه‌ای از عیسی مسیح ارائه می‌کند که با زندگی و شهادت موسی و با تاریخ دجال پیوند می‌یابد و در عین حال سه عنصر کلیسای پیروزمند را، که به‌وسیله نبی، کاهن و پادشاه نمایانده می‌شوند، مشخص می‌سازد.

انجیل متی با مکاشفه عیسی مسیح در زمینه عهد خدا با قومی برگزیده آغاز می‌شود. از ابراهیم تا داود چهارده نسل بود، از داود تا اسارت در بابل چهارده نسل بود، و از بابل تا مسیح نیز چهارده نسل دیگر است. نسب‌نامه مسیح در متی با موسی همخوانی دارد، زیرا موسی آلفا و مسیح امگا است. زندگی موسی به مدت صد و بیست سال با صد و بیست سال زمان آزمایشی در تاریخ نوح همخوان است. بنابراین عهد نوح با عهد قوم برگزیده پیوند دارد. صد و بیست سال موسی نمایانگر سه دوره چهارساله است که در پایان چهار سال نخست با کشته‌شدن آن مصری به دست موسی خاتمه یافت، و در پایان دوره چهارساله دوم نخست‌زادگان، فرعون و لشکر او کشته شدند. دوره چهارساله دوم با شورش در قادش پایان یافت و دوره چهارساله سوم با شورش دوم قادش پایان گرفت. همه سه خط نبوی آلفا در قادش پایان می‌یابند و سه خط نبوی نسب‌نامه متی در داود، اسارت در بابل و پیام‌آور عهد پایان می‌پذیرند.

هنگامی که آلفای موسی با امگای مسیح هم‌راستا می‌شود، شش شاهد قادش وجود دارد؛ یعنی ۱۸۶۳ و قانون یکشنبه. نسب‌نامه متی پادشاه داوود را در قادش قرار می‌دهد؛ جایی که ادونتیس مرتد به بابل برده می‌شود، در حالی که مسیح عهد را با صد و چهل و چهار هزار نفر تأیید می‌کند. با قرار دادن داوود در قانون یکشنبه، شاهد دومی برای داوود برقرار می‌شود، و داوود یکی از سه نماینده انسانی است که در سی‌سالگی خدمت را آغاز کردند. مسیح، داوود، یوسف و حزقیال همگی در سی‌سالگی کار خود را آغاز کردند. در کنار هم، این چهار نفر سی‌ساله که خدمت را آغاز کردند، نمایانگر ترکیب الوهیت و انسانیت‌اند، زمانی که کلیسای رزمنده به کلیسای ظفرمند دگرگون می‌شود. آن کلیسا از یک پیامبر، یک کاهن و یک پادشاه تشکیل شده است. این دگرگونی در قانون یکشنبه نشان‌گذاری می‌شود، که همان قادش نیز هست؛ بنابراین داوود در نسب‌نامه متی با داوود سی‌ساله هم‌راستا می‌شود.

سی سال آمادگی با چهارصد و سی سال عهد ابراهیم همخوانی دارد و همچنین با سن یک کاهن و ۱۲۹۰ سال دانیال ۱۲:۱۱. در مقاله بعدی هر یک از آن دوازده نبوت مسیحایی را در کتاب متی بررسی

خواهیم کرد. نخست سه خط سیر نبوی را در متی مشخص می‌کنیم: باب‌های ۱ تا ۱۰، سپس ۱۱ تا ۲۲، و آنگاه ۲۳ تا ۲۸.

مدتی پس از سرخوردگی سال ۱۸۴۴، من نیز، همراه با جماعتِ ظهور، بر این باور بودم که در رحمت برای جهان تا ابد بسته شده است. این موضع را پیش از آن‌که نخستین رؤیا به من داده شود، اتخاذ کرده بودم. این نور از جانب خدا که به من داده شد، خطای ما را اصلاح کرد و ما را توانا ساخت تا موضع حقیقی را ببینیم.

من هنوز به نظریهٔ در بسته معتقدم، اما نه به آن معنایی که ما در ابتدا این اصطلاح را به کار می‌بردیم و نه به آن معنایی که مخالفانم آن را به کار می‌برند.

در روزگار نوح، در بسته‌ای وجود داشت. در آن زمان، روح خدا از نسل گناهکاری که در آب‌های طوفان هلاک شد، کنار کشیده شد. خود خدا پیام در بسته را به نوح داد: «روح من تا ابد با انسان مجادله نخواهد کرد، زیرا او نیز جسم است؛ با این همه، روزهای او صد و بیست سال خواهد بود» (پیدایش ۳: ۶).

در روزگار ابراهیم دری بسته بود. رحمت دیگر برای ساکنان سدوم شفاعت نمی‌کرد، و همه، جز لوط با همسر و دو دخترش، به آتشی که از آسمان فرو فرستاده شد، هلاک شدند.

در زمان مسیح دری بسته بود. پسر خدا به یهودیان بی‌ایمان آن نسل اعلام کرد: «خانهٔ شما برای شما ویران رها شده است» (متی ۲۳: ۳۸).

با نگاهی به جریان زمان تا روزهای آخر، همان قدرت بی‌نهایت به وسیلهٔ یوحنا اعلام کرد: «این‌ها را می‌گویند او که قدوس است، او که حقیقی است، او که کلید داود را دارد، او که می‌گشاید و هیچ‌کس نمی‌بندد؛ و می‌بندد و هیچ‌کس نمی‌گشاید» (مکاشفه ۷: ۳).

به من در رؤیا نشان داده شد و هنوز هم معتقدم که در سال ۱۸۴۴ در بسته‌ای وجود داشت. همهٔ کسانی که نور پیام‌های فرشتهٔ اول و دوم را دیدند و آن نور را رد کردند، در تاریکی واگذاشته شدند. و آنان که آن را پذیرفتند و روح‌القدس را که همراه اعلام پیام از آسمان بود دریافت کردند، و سپس ایمان خود را انکار کردند و تجربهٔ خویش را توهم خواندند، با این کار روح خدا را رد کردند و دیگر روح خدا با آنان اتمام حجت نکرد.

آنانی که نور را ندیدند، گناه رد آن بر عهده‌شان نبود. تنها گروهی که روح خدا نمی‌توانست به آنان دست یابد، کسانی بودند که نور آسمانی را خوار شمرده بودند. و همان‌گونه که گفته‌ام، این گروه هم کسانی را در بر می‌گرفت که هنگام عرضه شدن پیام آن را نپذیرفتند، و هم آنان را که پس از دریافت آن، بعدها از ایمان خود برگشتند. این افراد ممکن بود ظاهری دیندار داشته باشند و ادعا کنند پیروان مسیح‌اند؛ اما چون ارتباطی زنده با خدا نداشتند، اسیر فریب‌های شیطان می‌شدند. در رؤیا این دو گروه به تصویر کشیده شده‌اند: کسانی که نوری را که پیروی‌اش کرده بودند، موهوم خواندند، و شیران جهان که چون نور را رد کردند، از سوی خدا رد شدند. هیچ اشاره‌ای به کسانی که نور را ندیده بودند و بنابراین در رد آن گناهکار نبودند، نشده است. پیام‌های برگزیده، جلد ۱، صفحات ۶۲ و ۶۳.

تنها کسانی که با ایمان، عیسی را در کار عظیم کفاره پی می‌گیرند، از مزایای شفاعت او که به نفع آنان انجام می‌شود بهره‌مند می‌گردند؛ حال آن‌که کسانی که نوری را که این خدمت را آشکار می‌سازد رد می‌کنند، از آن بهره‌ای نمی‌برند. یهودیانی که نوری را که در نخستین ظهور مسیح داده شد رد کردند و نپذیرفتند به او به عنوان نجات‌دهندهٔ جهان ایمان بیاورند، نمی‌توانستند از طریق او آمرزش دریافت کنند. هنگامی که عیسی در عروج خود، با خون خویش به قدس آسمانی داخل شد تا بر شاگردانش برکات شفاعت خود را فرو ریزد، یهودیان در تاریکی کامل رها شدند تا

قربانی‌ها و تقدیمات بی‌ثمر خود را ادامه دهند. خدمت‌نمونه‌ها و سایه‌ها پایان یافته بود. آن دری که مردم پیش‌تر از طریق آن به خدا دسترسی می‌یافتند دیگر گشوده نبود. یهودیان از جست‌وجوی او به تنها طریقی که در آن زمان می‌شد او را یافت، یعنی از طریق خدمت در قدس آسمانی، سر باز زدند. از این‌رو هیچ مشارکتی با خدا نیافتند. در بر آنان بسته بود. آنان مسیح را به‌عنوان قربانی حقیقی و تنها شفیع در حضور خدا نمی‌شناختند؛ از این‌رو نمی‌توانستند از مزایای شفاعت او بهره‌مند شوند.

وضعیت یهودیان بی‌ایمان، وضعیت بی‌اعتناها و بی‌ایمانان در میان مسیحیانی را که ادعای ایمان دارند، به تصویر می‌کشد؛ آنان که عمداً از کار کاهن اعظم رحیم ما ناآگاه‌اند. در خدمت‌نمونه‌ای، آنگاه که کاهن اعظم به قدس‌الاقداص وارد می‌شد، همه اسرائیل موظف بودند پیرامون مقدس‌گاه گرد آیند و به جدی‌ترین وجه، جان‌های خود را در برابر خدا فروتن سازند، تا آمرزش گناهان خود را دریافت کنند و از جماعت بریده نشوند. پس چقدر بیشتر ضروری است که در این روز کفار ضنوعی، کار کاهن اعظم خود را دریابیم و بدانیم چه وظایفی از ما خواسته شده است.

انسان‌ها نمی‌توانند بی‌عقوبت هشدار را که خدا از سر رحمت برایشان می‌فرستد، رد کنند. در روزگار نوح پیامی از آسمان به جهان فرستاده شد و نجات آنان به چگونگی برخوردشان با آن پیام بستگی داشت. چون آن هشدار را رد کردند، روح خدا از آن نسل گناهکار برداشته شد و آنان در آب‌های طوفان هلاک گردیدند. در زمان ابراهیم، رحمت از شفاعت برای ساکنان گناهکار سدوم بازایستاد، و همه جز لوط با همسرش و دو دخترش به‌وسیله آتشی که از آسمان فرود آمد نابود شدند. همین‌گونه بود در روزهای مسیح. پسر خدا به یهودیان بی‌ایمان آن نسل اعلام کرد: «خانه شما برای شما متروک می‌ماند.» متی ۲۳:۳۸. و چون به روزهای آخر می‌نگریم، همان قدرت لایتناهی درباره کسانی که «محبت حقیقت را نپذیرفتند تا نجات یابند» اعلام می‌کند: «از این رو خدا بر ایشان گمراهی شدید می‌فرستد تا دروغ را باور کنند، تا همه محکوم شوند آنان که حقیقت را باور نکردند، بلکه به شرارت خشنود بودند.» دوم تسالونیکیان ۱:۱۰-۱۲. چون تعالیم کلام او را رد می‌کنند، خدا روح خود را باز می‌گیرد و ایشان را به فریب‌هایی که دوست می‌دارند وا می‌گذارد. نبرد بزرگ، ۴۳۰، ۴۳۱.